



برای ایران

گاهنامه

انجمن پادشاهی خواهان

پیشرو

شماره ۵، ژوئن ۲۰۲۳



به آقای جوانمردی میگوییم که "هالو" هم بشنود!



تازگی ها از سوی برخی افراد و محافل که بیشتر در فضای مجازی خارج از کشور به فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی مشغولند، دست به تبلیغات کینه توزانه و هماهنگی علیه هواداران سامانه پادشاهی و شخص شاهزاده رضا پهلوی زده اند. یکی از آن میان؛ آقای علی جوانمردی می باشد که در ویدئویی به تاریخ پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت برابر با ۱۱ می ۲۰۲۳ و دیگری آقای محمدرضا عالی پیام (هالو)، در ویدئوی دیگری با نام "جدی بگیرید ۸۴"، شاهزاده و هواداران سامانه پادشاهی را به باد انتقادهای کینه توزانه گرفته و کار را بدانجا رسانده اند که مخاطب پس از دیدن این ویدئوها و شنیدن پیامهایشان، اینگونه در می یابد که دشمن اصلی مردم ایران نه جمهوری ایران ستیز اسلامی، که انگاری پادشاهی خواهان هستند!! نکاتی که این "آقایان منتقد" مطرح کرده اند نه اینکه از وزن و اعتبار ویژه ای برخوردار باشند، هرگز! اما خاموشی گزیدن در برابر این اتهامات بی پایه را نیز، چاره کار نمی دانیم. از طرف دیگر این نیز فرصتی است تا به بهانه پاسخگویی به اتهامات مطروحه، بار دیگر در برابر ملت خود به شفاف سازی پرداخته و در زدودن هرگونه غبار احتمالی بر ذهن و اندیشه مبارزان و ملت

قهرمان ایران، به سهم خود گامی مثبت برداشته باشیم. پیش از هر چیز این نکته مهم را یادآوری کرده باشیم که انجمن پادشاهی خواهان پیشرو، هیچ مشکلی با طرح انتقاد از سوی گروههای اپوزیسیون و شنیدن و یا خواندن آنها ندارد. چه بسا نقدهای پاکدلانه می توانند سازنده و رهگشا نیز باشند. از آنجاییکه ما میان نقدهای سازنده و طرح ادعاهای کینه توزانه و اتهامات بی پایه و اساس، فرق می گذاریم؛ لذا با روشن ساختن اذهان عمومی از ماهیت اتهامات و برجسب های ناجوانمردانه، به افشای بدخواهان منافع ملی ایرانیان می پردازیم.

داده در ص ۲

نه به اعدام، نه به شکنجه و نه به زندان!

طی روزهای گذشته در سراسر ایران، مردم ما شاهد اجرای اعدام های گسترده از سوی رژیم جنایت پیشه جمهوری کودک کش اسلامی بوده اند. این در حالیست که انبوهی از زندانیان، فارغ از اینکه از کمترین حق دفاع از خود یعنی برخورداری از وکیل اختیاری، روند یک دادرسی عادلانه بر اساس حقوق دادگستری مدنی و نه قوانین ارتجاعی شرع اسلامی و حضور هیات منصفه برخوردار نیستند، برای اجرای حکم اعدام به سلولهای انفرادی منتقل شده اند.

برهنگان روشن است که یکبار دیگر این جمهوری ایران ستیز، برای خاموش کردن هر صدای حق طلبانه در چهارگوشه ایران، ماشین سرکوب خود و در راس آن دستگاه آدم کشی اش را فعال کرده و برای فرونشاندن عطش خونخواهی اش، از ریختن خون هم میهنان ما؛ چه بلوچ، کرد، عرب، فارس، مازنی، ترک و ... آبابی ندارد. بسا اینکه تاکنون دهها تن را در بلوچستان، خوزستان بویژه عرب زبانان، کردستان، تهران، کرج و ... اعدام کرده است. بخش گسترده ای از اجرای این قساوت وحشیانه مربوط به بلوچستان، خوزستان و کردستان می شود؛ جاهاییکه بیشترین سهم در خیزش انقلابی و حق طلبانه اخیر ملت ایران را بخود اختصاص داده اند. درست جاهاییکه تقسیم ثروت اجتماعی و رشد رفاه عمومی، خدمات درمانی و آموزشی و ... نه تنها ابدأ توجه های لازم در طی این ۴۴ سالی گذشت به آنها نشده است، بلکه با تحمیل فقر مطلق بر مردمان این نواحی، برای آنان راهی نمانده است جز مبارزه برای سرنگونی این جمهوری بیگانه پرست که عامل مستقیم فقر و محرومیت آنان می باشد. زین روی، جمهوری پلشت اسلامی بار دیگر می کوشد تا با دست یازیدن به اعدام های لگام گسیخته، شکنجه زندانیان بی دفاع و با در حبس نگاه داشتن جوانانی که خواهان آزادی

ادامه در ص ۵



خواننده گرامی، نوشته ای که پیش رو دارید از سوی دوست گرامی و ارزشمند ما، استاد هلمند اربابی، برای چاپ در گاهنامه "برای ایران"، در اختیار ما قرار گرفته است. از آنجاییکه این نوشتار برای سخنرانی ایشان تنظیم شده بود، ما با کمی ویرایش که برای چاپ مناسب باشد در برابر شما می نهیم. با سپاس دوباره از استاد هلمند اربابی ارجمند!

آیین شهریاری (سیاست

ورزی) و رابطه آن با دروغ و راستی!

استاد هلمند اربابی

چرا می گویم شهریاری؟ برای آشنایی بهتر با این واژه نخست به تعریف آن می پردازم؛ شهر به چم (معنی) جامعه است و شهریار به کسی می گویند که یار آن جامعه است، کسی که برای آن جامعه به کارگماشته شده و آن جامعه را باید به فرجام خوش برساند، جامعه را خوشبخت بکند، به این واژه شهریاری گویند. من واژه شهریاری را بجای واژه "سیاست" بکار می برم؛ زیرا در گذشته این واژه را به چم تازیانه زدن کره اسب و یا رام کردن اسب نارام بکار می بردند. ما کره اسب نیستیم، ما انسان هستیم و بسیار زشت است که انسانی بخواهد انسان دیگر را "سیاست" کند. ولی خُب، این واژه به نادرستی در جامعه ما جا افتاده و به نگر من باید کوشید برای دریافتن و یا رساندن جستاری (موضوعی)، از واژه هایی که رساننده آن جستار باشند یاری گرفت.

برای رسیدن به یک هدف آیا ما می توانیم دست به هر ابزاری بزنیم؟ برای نمونه آیا می توانیم برای دستیابی به آماجمان دروغ بگوئیم؟ امروزه در جهانی که در آن بسر می بریم، دست کم از نگاه اخلاقی، منش شناسی، اتیک و یا مورالیتی در میان مردمان یک جامعه باز و آزاد، دروغ را زشت دانسته و آنرا بسیار می نکوهند. زیرا که دروغ یکی از بدترین چیزهایی است که آدمیان می گویند، اگرچه شوربختانه اینجا و آنجا آنرا بکار هم می گیرند.

ادامه در ص ۶

هر آنچه که در این گاهنامه درج می گردد، دیدگاههای شخصی نویسندگان و یا گردانندگان آن است و ابدان نقش سخنگوی

شاهزاده رضا پهلوی را بر عهده ندارد!

ادامه از ص ۱، به آقای جوانمردی می‌گوییم که ...

آقای جوانمردی مدعیست که "باید صادقانه"، "آگاهی رسانی کرد" و "حقایق را به مردم گفت". ایشان در ویدئویی که بدان اشاره شد، پس از آنکه مختصراً به اوضاع بغرنج حاکمیت در ایران می‌پردازد، به کاهش سطح مبارزات مردم ایران در ماههای اخیر اشاره کرده و "افول" آنرا به فعالیتهای ایرانیان خارج از کشور ربط می‌دهد! و می‌کوشد فعالیتهای خارج از کشور را نیز جوری به رهبری شاهزاده گره بزند که هم موجب اعتباری برای شاهزاده به عنوان رهبر جنبش ملی ایرانیان نشود و هم از سوی دیگر، برای شکستن کاسه کوزه بر سر هواداران سامانه پادشاهی دستانش حسابی باز باشند. برای این منظور او مدعی است که جریانی "تحت عنوان ملی گرایی" شکل گرفته که از نگر رفتاری و الگوبرداری، "**یک نوع کی برداری از جمهوری اسلامی در وجهه حتا بدترش است**" (در سراسر این نوشتار، همه تأکیدها از ما است). ایشان به ناسزا گوئیهای برخی اندک هوادارنما، از سوی طیف گسترده پادشاهی خواهان نسبت به مخالفان سیاسی اشان پرداخته و با برجسته سازی این موضوع، از "روشنفکران" و دانشجویان و "کسانی که تاریخ" می‌دانند و "دغدغه آزادی ایران را دارند"، می‌خواهد که "سکوت را بشکنند" و به "بازگویی حقایق" در هر فرصتی بپردازند!! او در ادامه این رهنمود، به مخاطبینش یادآوری می‌کند که "الان زمان، زمان عمل!" آقای عالی پیام نیز در سلسله ویدئوهایی که در فضای مجازی پخش می‌کند، با دنباله روی از آقای جوانمردی، می‌کوشد تا با برجسته کردن رفتار ناشایست و نابخردانه **اندکی** از هواداران سامانه پادشاهی، این ایده را به مخاطباننش القاء کند که هواداران سامانه پادشاهی از فرق سر تا نوک پا، همه از یک قُماش بوده و نباید به رهبری آنها دل بست!

ما می‌کوشیم تا در این نوشته، ضمن پرداختن به نکات اصلی اتهامات، در پایان اشاره کوتاهی هم به ماهیت ارکستری که تازگیها علیه جریان ملی و ایرانگرایی پادشاهی خواهان شکل گرفته، داشته باشیم. "جریانی" که **دانسته** همه تلاش خود را بکار بسته است تا نقشی ویرانگر در به انحراف کشاندن مسیر انقلاب ملی – دموکراتیک ملت ایران بازی کند.

برای صرفه جویی در وقت و پیشگیری از طولانی شدن مطلب، اتهامات کلیدی مطرح شده را تیتربندی کرده، و با پرداختن بدانها، موضع خود را نیز برای خواننده گرامی روشن می‌سازیم. اما در آینده بسیار نزدیک، به نکاتی دیگری که بخاطر ذیق وقت، جا انداخته ایم، حتما خواهیم پرداخت.

مصاحبه با رسانه های خارجی؛

انجمن ما سخت بر این باور است؛ از هر تربیونی که بشود خواسته مبارزات ملت ایران را بگوش جهانیان رسانده تا از آن طریق هم از مبارزات آنان پشتیبانی کرده باشیم، و هم حمایت و همدردی مردم و روشن اندیشان کشورهای دیگر را برای گسترش مبارزات ملت ایران جلب کنیم، باید استفاده کرد. و از این روی نه تنها مصاحبه با ایران اینترنشنال، بی بی سی، صدای آمریکا، من و تو و ... را مذموم نمی‌شماریم، بلکه به همه مبارزان راه آزادی میهن دربندمان پیشنهاد می‌کنیم که چنین کنند. همانگونه که از همه وسایل ارتباط جمعی برای بردن آگاهی به میان مردم آزادخواه و ارتقای سطح مبارزات آنان بهره می‌بریم، میتوانیم و باید هم، از تربیونهایی که ببینده، شنونده و خواننده دارند، به نفع پیشبرد مبارزات مردم ایران علیه جمهوری ننگین اسلامی، مورد استفاده قرار بگیرند. به خاطر داشته باشیم که با اینکار فضای تبلیغاتی در بیرون از کشور، از کنترل رژیم خارج و از این زاویه نیز تحت فشار مضاعف روحی و روانی هرچه بیشتری قرار می‌گیرد. برای اینکه خیال این دسته از منتقدان خود را از این بابت از هر سوی، کاملاً راحت کرده باشیم، باید بیافزاییم که برای این مصاحبه ها، حتی اگر لازم باشد پولی بپردازیم در صورت داشتن چنین پولی باید خرج این کارها بکنیم. چه اینکه دشمن ما نیز برای سرکوب جنبش فقط به سلاح و سپاه و ... روی نمی‌آورد، بلکه در کنار آن، از هر وسیله تبلیغاتی ای برای به سکوت و انزوا کشاندن مبارزات آزادخواهان ایرانی بهره می‌برد، پس چرا ما باید در این زمینه به چنین سخنان بیهوده ای گوش فرا دهیم و خود را از داشتن چنین ابزارهایی که میتوانند تبلیغات رژیم را تا به هر اندازه ای خنثی کنند، محروم سازیم؟ با توجه به همین استدلال

کوتاه، آیا ماهیت انتقادهایی از این دست در خصوص مصاحبه با رسانه های پُر مخاطب، آنهم از سوی کسانی که خودشان کار رسانه ای میکنند، اگر به قصد مخدوش سازی اذهان مبارزان و باورمندان به جنبش ملی – دموکراتیک ملت ایران نباشد، پس چیست؟

جمع آوری کمکهای مالی برای کارگران و دیگر اعتصاب کنندگان ایران؛

شاهزاده رضا پهلوی، طرحی را مبنی بر مسدود سازی داراییهای این جمهوری ایرانی ستیز در کشورهای دیگر، به نفع کارگران اعتصابی در ایران، در رسانه ها علنی کرده اند. به موجب این طرح، از کشورهای کلیدی، که این داراییها در کشورشان مسدود شده است، درخواست میشد که ضمن ترسیم راههای قانونی این انتقال، از طریق نهادهای معتبر بین المللی به دست کارگران اعتصابی در ایران رسانده شود. و تا آنجاییکه ما میدانیم، یکی از مباحث مطروحه در نشستهای شاهزاده با نهادهای بین المللی، متقاعد ساختن آنها برای اجرای این پروژه بوده است. توجه داشته باشید؛ اگر روزی این پروژه تحقق پذیرد، قرار نبود و قرار هم نیست که ریالی از این داراییها به دست ارائه کنندگان این طرح یعنی شاهزاده و آنانی که برای اجرای این طرح می‌کوشند برسد، بلکه مطابق با قانونهای همان کشورهای کلیدی و با همکاری نهادهای بین المللی معتبر، این کمکهای مالی بایستی به دست واجدین شرایط در ایران برسد. از این نکته که بگذریم، تا آنجاییکه ما آگاهی داریم، هیچگاه شاهزاده فراخوانی مبنی بر جمع آوری کمک مالی به هواداران و جنبش ملی و انقلابی ملت ایران نداده اند، که اگر چنین فراخوانی صادر می‌فرمودند، حتما شماره حساب بانکی هم در اختیار مردم قرار می‌دادند. تنها رهنمودهایی بوده مبنی بر اینکه نیکوکاران یا پیش بگذارند و در این برهه سخت ملت را تنها نگذارند. اگر در این میان افراد نیکوکاری پیشگام شدند، که شدند، و مبالغ هنگفتی نیز از راههای گوناگون برای درمان آسیب دیدگان خیزش انقلابی اخیر فرستاده اند، هیچ ربطی به طرح اصلی شاهزاده ندارد و اصلاً ریالی هم از این پولهای جمع آوری شده در اختیار شاهزاده قرار نگرفته که اینک بیایند و حساب پس بدهند. اما از سوی هواداران سامانه پادشاهی کمک های مالی و پزشکی به مردم ایران در طی خیزش اخیر، صورت گرفته است. فکر می‌کنید **ماهیت** اتهامی چنین سنگین به هواداران سامانه پادشاهی و شخص شاهزاده، تحت عنوان "شفاف سازی"، چه هدفی را تعقیب می‌کند؟! بگذارید برای روشن شدن این موضوع و پی بردن به ماهیت این اتهام ها، کمی به عقب برگردیم. در آوان خیزش سراسری و قهرمانانه اخیر ملت ایران، ناگهان ما شاهد سانسورهای رسانه های خبری علیه ملی گرایان و هواداران سامانه پادشاهی در داخل ایران بودیم. فیلم های کوتاهی بدست ما می‌رسید که در پایان همان فیلم به گونه ای گیرنده فیلم، پشتیبانی و علاقه خود به خاندان ایرانساز پهلوی را آشکار می‌ساخت. اما همان فیلم را هنگامی که در رسانه های خبری از جمله همین پی بی سی و یا تارنماهای خبری مخالفان سنتی سامانه پادشاهی میدیدیم، قطعه پشتیبانی از خانواده پهلوی سانسور شده بود. در ادامه این روش تخریبی و هدفمند، کم کم پرسشهایی با هدف کم‌رنگ کردن نقش مبارزان ملی گرا و پادشاهی خواه، علیه ما مطرح شد مبنی بر اینکه: "اگر آنگونه که مدعی هستید، شاهزاده اینقدر در ایران طرفدار دارد پس چرا برای ایرانیان داخل کشور فراخوان جهت برگزاری تظاهرات اعتراضی صادر نمی‌کند؟!؟" تنها دمی بیاندیشید که شاهزاده مرعوب این تبلیغات جهت دار و زهرآگین میشدند و فراخوان صادر می‌فرمودند، در نتیجه ما به دست خود، هواداران خود را در دست در اختیار نیروی سرکوب دشمن قرار میدادیم. نه تنها شاهزاده و مشاورانش به این واقعیت آگاه بودند بلکه صدور هرگونه **فراخوان علنی** برای اعتراضاتی با **ماهیت سرتنگی**، از سوی هر نیروی، آنهم در خارج از کشور، **در این مقطع مبارزاتی**، به سود نیروی سرکوب دشمن تمام خواهد شد. درست در چنان وضعیتی دشمنان انقلاب ملی و ملت ما، بدون توجه به حساسیت موضوع و بدون توجه **ادامه در ص ۳**

ننگ بر فریبکاران، ننگ بر فرصت طلبان!

ادامه از ص ۲، به آقای جوانمردی می گویم که ...

نسبت به جان مبارزان ما، تنها به قصد تخریب شاهزاده و هواداران راستین و میهن دوست ما، چنان پرسشهای جهت داری را جلوی پای جنبش ملی می نهادند. اتفاقاً این منتقدانِ آنروزِ ما، از این جهت تیرشان به سنگ خورد، اما این موجب نشد تا از این تاکتیک مخرب خود دست بردارند. زیرا دستاورد حداقلی آن، برای این به ظاهر "منتقدان" بد اندیش، تشویش اذهان عمومی و دلسر کردن آنها از مبارزه علیه جمهوری فخرگستر اسلامی است. اینبار نیز آقای جوانمردی با طرح چنین پرسشهای حساسی، با قصد تخلیه اطلاعاتی، میخواهد ما را وادار به افشای راههای کمک رسانی به درون کشور کند! براستی شما فکر می کنید که اگر هم اینک، در زندان اوین و زیر شکنجه بودید، شکنجه گر با اِعمال شکنجه، چه اطلاعاتی را از شما طلب می کرد که آقای جوانمردی اینک، زیر پوشش "خبرنگار"، از ما طلب نمی کند؟! حُب با چنین سابقه ای، اینک این "آقای منتقد" از ما انتظار دارد تا با بازگو کردن کمکهای فرستاده شده، همه روابطمان در درون ایران را در دست در اختیار سپاه اسلامی ملت ستیز قرار دهیم. باور داریم که خواننده گرامی متوجه این تاکتیکهای به غایت ضد مردمی برخی از این "منتقدان" شاهزاده هستند. اصولاً پرسیدنی است که چرا منتقدانی از این دست که اینقدر غصه پولهای جمع آوری شده، که به گفته بی سند ایشان، تنها در لس آنجلس، "یک میلیون دلار" بوده، مصرانه میخواهند بدانند که سرانجام این پول چه شد و به کجا رسید، چرا چنین تحقیقی را برای نمونه از "حزب دمکرات کردستان ایران" به عمل نمی آورد؟ آیا این حزب کمکی به مجروحین خیزش اخیر داشته است، اگر آری از چه راهی و اگر نه، چرا کمکی نداشته است؟ مگر اینها از حکومت خودگردان کردستان عراق کمکهای ماهیانه از هر نوعی دریافت نمی کنند؟! آقای جوانمردی برای سندیت بخشیدن به اظهارات بی پایه اش، با طرح پارادوکسی مبني بر شفافیت درآمد و مالیات در کشورهای آزاد، خواهان شفاف سازی کمکهای مالی دریافتی و چگونگی مصرف آن میشوند. آری، در کشورهای اروپای غربی و یا آمریکای شمالی چه بخواهیم و چه نخواهیم بنا بر دستگاه اداری و شفاف آنها، هر آن می توانند درآمد و انواع مالیاتهای پرداختی اکثر شهروندان را در بیاورند. اما این واقعیت چه ربطی به مبارزات مخفی ملت ایران و کمکهای مخفیانه ای که به آنها میشود، دارد؟! آیا براستی آقای جوانمردی نمی داند که اگر فردی که در ایران مشمول این کمکها شده، ببايد و در فضای مجازی آنها اعلام کند، به جرم همدستی با نیروهای برانداز دستگیر و تحت شکنجه قرار می گیرد تا رابط این کمک رسانی را لو دهد؟ آیا کشورهایی که برای نمونه به اوکراین کمکهای مالی، نظامی، پزشکی، مستشاری و ... می رسانند، می آیند و همه این راههای ارتباطی را در رسانه ها صرفاً برای "شفاف سازی"، برملا می سازند!!!

به باور ما، این جماعت به ظاهر "منتقد"، نه انتقاد می کنند و نه آگاهی رسانی! بلکه تنها دو هدف را دنبال می کنند: نخست دست یافتن به اطلاعاتی که میتوانند جان مبارزان در درون کشور را با خطر جدی مواجه سازد، تا بدینوسیله مانع ای بر سر راه مبارزه رهایی بخش ملت ایران بتراشند، و دوم اینکه اذهان مبارزان درون و بیرون از کشور را مُشوّش و کوشندگی آنها را تحت تأثیر منفی قرار دهند. یارادوکس سازیهای آقای جوانمردی دقیقاً با اهداف فوق منطبق است.

"افول" مبارزات ایرانیان خارج از کشور؛

برخی از منتقدان بر این باورند که به خاطر روش فعالیت هواداران سامانه پادشاهی در خارج از کشور و یا شیوه رهبری شاهزاده، موجب افول مبارزه، دست کم در میان ایرانیان خارج از کشور شده است. این مدعیان و آقای جوانمردی از آن میان، با کم رنگ کردن نقش سرکوب پی رحمانه و لگام گسیخته رژیم، این واقعیت که مبارزات ایرانیان برون مرزی همیشه تابعی از مبارزات مردم ایران در درون کشور بوده است را، لاپوشانی کرده و در ادعاهایی کارشناسی نشده، اشاره ای هرچند کوتاه نیز، بدان نمی کند. با بررسی آفت و خیز جنبش ایرانیان خارج از کشور، دست کم در طی ۴۴ سال گذشته متوجه

می شویم که مبارزات ایرانیان خارج از کشور همواره تابعی از خیزش انقلابی ملت ایران در درون کشور بوده است. برای نمونه؛ به هنگام خیزش دهه پایانی سالهای هشتاد که به "جنبش سبز" شناخته شد، ما شاهد رشد مبارزات گسترده در میان ایرانیان برون مرز بوده ایم و با فروکش کردن آن در درون ایران، مبارزات خارج از کشور نیز بعنوان تابعی از آن، شعله اش فرو نشست. فرق خیزش کنونی ایرانیان با قیامهای پیشین در آن است که این مبارزات نه تنها رنگ و بویی از توهم به جمهوری ایرانی ستیز اسلامی ندارد، نه تنها با آنهایی که در به قدرت رسیدن این رژیم ننگین و آنانی که در استحکام یافتن پایه های در خون نشسته این جمهوری کودک کش نقش ایفا کرده اند، سر آشتی ندارد، بلکه با عبور از همه آنها و پیوستن به جنبش ملی ایرانیان، فریاد رهایی، آزادی و ایرانی خواهی را با برافراشتن پرچم شیر و خورشید، سر داده اند. فرق دیگر جنبش انقلابی کنونی، با قیامهای پیشین در آنست که هیچگاه قیامهای داخل ایران نتوانسته بودند این حجم گسترده و عظیم از ایرانیان خارج از کشور را به خیابانهای کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی برای پشتیبانی از ملت ایران و مبارزه برای سرنگونی این جمهوری اعدای بسیج کنند. دلیل اصلی این پشتیبانی گسترده و عظیم، ملی بودن این خیزش انقلابی و دیگر اینکه ملت ایران رهبر راستین و فرزانه خود را نیز شناخته است و اتفاقاً ترس جمهوری پلید اسلامی و نگهدارندگانش از یکسو و از سوی دیگر، تجزیه طلبان در همین است.

نکته دیگری که برخی از بدخواهان و کینه توزان نسبت به جنبش ملی ایرانیان، آگاهانه با سکوت از آن می گذرند و آنرا پوشش نمی دهند اینست که؛ جنبش ملی و انقلابی ملت ایران با وجود سرکوب سخت و لگام گسیخته از سوی نیروهای سپاه اهریمنی، یا شکست مواجه نشده است. مبارزه همچنان در اشکال گوناگون ادامه دارد. کاهش حجم مبارزات مردم ایران چه در داخل و چه در خارج ابدا نشانی از شکست، سرخوردگی و ناامیدی ندارد. اتفاقاً برعکس قیامهای پیشین در طی ۴۴ سال گذشته، با بالا نگاه داشتن روحیه مبارزه جوئیش، ملت ایران به نیروی درونی و واقعی خود پی برده و هرگز سر سازش و گرنش از خود بروز نداده است. امری که موجب وحشت جیره بگیران رژیم شده و می کوشند با پراکندن تخم یاس و ناامیدی، به بقای این جمهوری گندیده یاری رسانند.

در مورد شیوه مبارزه هواداران ما، باید بگویم که این مبارزان دقیقاً دست به همان روشهایی می زنند که در همین اروپا از سوی دیگر نیروهای اپوزیسیون شاهدش هستیم. یعنی بحث بر سر شیوه ای تازه از مبارزه و یا روش تازه ای که اینها مبتکرش بوده باشند، هرگز در میان نیست. هواداران ما نیز چون دیگر نیروهای اپوزیسیون راهپیمایی، تظاهرات ایستاده و ... برگزار می کنند، اما آنچه که موجب خشم و نگرانی منتقدان سامانه پادشاهی را فراهم ساخته، نه شیوه های مبارزاتی هواداران ما، بلکه آغوش گشوده ملت ایران چه در درون کشور و چه در بیرون کشور به روی شاهزاده ایرانزمین، جناب آقای رضا پهلوی بوده است. واقعیت این است که بسیار کوشیدند تا خبرها و گزارشات پیوند قلبی مردم ایران با شاهزاده رضا پهلوی و هواداران راستینش را سانسور کنند، اما نتوانستند جلوی ابراز علاقه ایرانیان برون مرزی را بگیرند. مبارزات ملی گرانه ایرانیان خارج از کشور فقط و فقط بازتاب مبارزات جاری ملت ایران در درون کشور است! بی جهت نیست که "دُم خروس" این آقایان بیرون زده و خجالت می کشند از رهبری شاهزاده سخن بگویند، اما "افول جنبش" را به شاهزاده نسبت می دهند!!

فاشیسم؛

بدخواهان و کینه توزان مخالف سامانه پادشاهی به نادرستی و با کمک دروغ، ریاکاری و در برخی جاها با بزرگنمایی اشتباهات بی اعتبار کردن این نیروها، زمان مرگ خود را به عقب بیاندازد. پس بیهوده نیست که انواع و اقسام برجسب های ناجوانمردانه علیه نیروهای ما و رهبری ملی آن، زده میشود. اتهام هایی مانند "حیف و میل کمک های مالی مردمی"، "فاشیست" خواندن انقلابیون مبارزی که هیچ چشم داشتی به جز رهایی ایران

ادامه در ص ۴

آزادیهای سیاسی و اجتماعی، حق همه ایرانیان است!

ادامه از ص ۳، به آقای جوانمردی می‌گوییم که ...

مرکب شده از سوی برخی اندک از هواداران ما (ما نیز بدان اعتراف کرده و آنها را بارها محکوم و سخت کوشیدیم که با شیوه‌های درست در چهارچوب گفتگو و نقدهای سازنده، این افراد را متوجه عملکرد نادرستشان بنماییم)، پیکان تیز حملات و ناسزاگوئیهای سیاسی اشان را بسوی ملی‌گرایان ایران‌دوست نشانه رفته و در اندیشه ناپاکی که در سر می‌پروراند، هواداران این سامانه را "فاشیست" می‌نامند. ما در اینجا می‌کوشیم نخست مفهوم فاشیسم را شکافته و سپس با اشاره‌ای کوتاه به عملکرد هواداران نیروهای فاشیست هیتلری، نشان دهیم که بدخواهان ما چگونه تلاش می‌کنند این وصله ناجور را به ما چسبانند، و با اینکار چه آماجی را دنبال می‌کنند.

پس از آنکه نیروهای فاشیست هیتلری در جنگ جهانی دوم متحمل شکست نظامی-سیاسی سنگینی شدند، بسیاری از نیروهای سیاسی فعال و یا آزادخواه در سراسر دنیا، در جنگ و مبارزه با نیروهای سرکوبگر، آنان را به نادرستی "فاشیست" نامیده و انگار با بکار بردن آن علیه نیروهای سرکوبگر، ژرفای دیکتاتوری حاکم را بیشتر به نمایش می‌گذارند. فارغ از درک این واقعیت که درهم آمیختن مفاهیم پدیده‌های اجتماعی می‌تواند تبعات منفی بی‌شماری داشته باشد. زیرا بکار بردن چنین القابی نه تنها گره‌ای از مبارزات جاری آنها نمی‌گشاید، بلکه بیشتر به پیچیده شدن واکاوی زمینه‌های مادی دیکتاتوری در آن جوامع نیز منجر می‌گردد. بکار بردن مفاهیم نادرست در مورد پدیده‌های اجتماعی، قدرت شناخت و درک ما از ماهیت آن پدیده‌ها را مخدوش ساخته، و نیروهای آزادخواه را از تعیین استراتژی و تاکتیک‌های درست مبارزه منحرف و نهایتاً مبارزات آنها را به جای پیروزی، به شکست رهنمون می‌سازد.

فاشیسم بخشی از نظام اقتصادی مبتنی بر نظام سلطه است که برای یافتن و به دست آوردن بازارهای نو، و یا خارج کردن رقیبان مدعی حاضر در میدانهای رقابتی، به منظور صدور کالا، سرمایه و چپاول دسترنج ملت‌های دیگر، به نظامیگری و جنگ روی می‌آورد. این پدیده با کمک سرمایه‌های کلان انحصارات جهانی به منظور بیرون راندن رقیبان از بازارهای جهانی، با صرف بودجه‌های سنگین و با استخدام نیرو، و با توسل به شیوه‌های خشونت و قهرآمیز، نخست می‌کوشند قدرت سیاسی را قبضه کرده و در ادامه با بسیج ارتش و تقویت آن، با براه انداختن جنگ علیه رقیبان دیروزی، به بازارهای تازه دست یابند. جنگ جهانی دوم و نقش ارتشهای آلمان و ایتالیا (ایتالیا در ادامه جنگ به نیروهای متفقین پیوست) نمونه بارزی از کارکرد فاشیسم در اروپا است. با چنین تعریف و شناختی از فاشیسم و عملکرد آن در طی جنگ جهانی دوم، چگونه می‌توانیم هر کجا که شورش و یا نبرد آزادخواهانه‌ای صورت گرفت، نیروهای ارتجاعی و سرکوبگر را با نیروهای سرکوبگر فاشیسم یکسان بگیریم؟ زمینه‌های مادی دیکتاتوری، به عنوان نمونه در ایران کنونی، با زمینه‌های مادی دیکتاتوری در آرژانتین کاملاً متفاوت است، هر چند که هر دو به ظاهر در چهارچوب نظامهای اقتصادی سرمایه‌داری می‌گنجند. اما آنچه که به نوشته پیش روی شما مربوط می‌شود؛ شیوه به قدرت رسیدن فاشیسم در آلمان است، که برخی از مخالفان جریانهای ملی و ایرانگرا، با "فاشیست" نامیدن هواداران سامانه پادشاهی، می‌کوشند تا اینگونه وانمود سازند که این هواداران نیز مانند نیروهای شبه نظامی هوادار فاشیسم هیتلری بوده و با ادعاهای مسخره تری "خطر ظهور فاشیسم" جدید را به نیروهای

"اپوزیسیون" و "مردم ایران" هشدار می‌دهند. انجمن پادشاهی خواهان پیشرو، بیشتر در طی مقاله‌ای به نام "آقای فرج سرکوبی گرامی؛ هواداران سامانه پادشاهی، آزادخواه هستند!" (چاپ در گاهنامه برای ایران، شماره ۳)، به شکل گیری نیروهای شبه نظامی فاشیسم‌دار آلمان و نقشی که ایفا کردند پرداخته و در آن نوشته اشاره داشتیم که در آغاز این نیروها "استخدام می‌شوند" و پس از سازمان یافتن و برقراری سلسله مراتب تشکیلاتی در میانشان، در آغاز می‌کوشند تا با تبلیغات سازمانیافته، نیروهای جدید داوطلب جذب کنند، و دامنه نفوذ و قدرت خود را عمدتاً با اعمال نیروی قهر و سرکوب‌خشن علیه

مخالفین، گسترش دهند. این نیروهای شبه نظامی آموزش می‌بینند، جیره می‌گیرند، و در بعضی جاها رخت یکسان به تن می‌کنند. در میانشان سلسله مراتب شبه نظامی برقرار است، دستور می‌گیرند، و به مأموریت می‌روند. اهداف خود را برای حمله، آگاهانه و نه تصادفی و با برنامه از پیش برایشان تعیین شده، برمی‌گزینند. این ادعا درست است که نیروهای فاشیست هیتلری و یا فاشیستهای موسولینی، با تکیه بر نژادپرستی و برانگیختن احساسات ملی، به بسیج ملت‌های خود برای آغاز جنگی خونین پرداخته بودند، اما نکته در همین جاست که ملی‌گرایان ایرانی، نه از نگر اقتصادی، به پیشرفت صنعتی، مالی و انباشت سرمایه آلمان آن روز رسیده‌اند که اینک بخواهند با کسب قدرت سیاسی و برای گسترش دامنه بازارهای خود به جنگ میان ملت‌ها دامن بزنند، و نه از نگر سیاسی، برای کسب قدرت، به استخدام نیروهای سرکوبگر حرفه‌ای علیه دیگر نیروهای اپوزیسیون بپردازند. هواداران ما همگام و دوشادوش ملت قهرمان و نسل آگاه ایرانزمین، برای به زیر کشاندن ضحاک زمان و همه ساختار ضد ایرانی اش مبارزه می‌کنند، دستگیری می‌شوند، شکنجه می‌شوند، به دار آویخته می‌شوند، در میدانهای مبارزه زخمی می‌شوند، چشم از دست می‌دهند، اعتصاب می‌کنند، و ... در بیرون کشور نیز با صرف هزینه‌های شخصی و جمع‌آوری پول از میان خودشان، تظاهرات اعتراضی ایستاده و یا راهپیمایی سازمان می‌دهند، اعتصاب غذا می‌کنند، تحصن می‌کنند، با سیاستمداران تأثیرگذار و یا نیروهای سیاسی هم سو و مبارز ارتباط گرفته و می‌کوشند صدای حق طلبانه ملت ایران را که ۴۴ سال است زیر سخت‌ترین فشارهای اقتصادی، فرهنگی، سرکوب سیستماتیک و ... بسر می‌برند، بگوش جهانیان برسانند. هواداران ما برای پیوستن به کوشندگیهای سیاسی و شرکت در اعتراضات و مبارزات خیابانی علیه این جمهوری اعدای و کودک‌کش، از جیبهای خودشان هزینه می‌کنند. آری؛ ما هواداران سامانه پادشاهی، باورمند به ساختار سیاسی ای مبتنی بر اصول دموکراسی، سکولاریسم، میهنی چند حزبی، آزادیهای فردی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...، برقراری رفاه و عدالت اجتماعی برای همه ایرانیان، هستیم.

با در نگر گرفتن آنچه که از فاشیسم و نیروهای شبه نظامی و سازمانیافته این پدیده، پیش از کسب قدرت سیاسی در آلمان ارائه دادیم، کجای آن با جریان ملی و ایرانگرای هواداران سامانه پادشاهی در ایران همخوانی دارد؟! قدرت اقتصادی ایران کنونی، حتا توان برآوردن نیازهای اقتصادی کشور خودش را ندارد چه برسد رقابت با اقتصاد انحصارات جهانی پیردازد و تازه سودای جنگ به اینک بخشی از این اقتصاد بغایت ناتوان و پریشان، بخواهد توسط ایرانگرایان ملی، به رقابت با اقتصاد انحصارات جهانی بپردازد و تازه سودای جنگ به قصد تصرف بازارهای نوین در سر پروراند!!! برای کسب قدرت سیاسی نیز، کوشندگیهای هواداران این سامانه کجا، و فعالیت‌های خشن و سرکوبگرانه رقیبان، به دست ملیشیای سازمانیافته و نظامی هواداران هیتلر کجا؟ این برجسب زندهای ناجوانمردانه به ملی‌گرایان ایرانی، از کجا سرچشمه می‌گیرد و در خدمت چه اهدافی است؟

بنابر آنچه که تا کنون در اینجا نوشته ایم؛ آنان که به هواداران مبارز و آگاه ما آنگ "فاشیست" می‌زنند، با این دروغ آگاهانه، به حقیقت تُف می‌اندازند؛ شرم هم چیز خوبیست!

واقعیت چیست؟

میدانیم که جمهوری‌گندیده اسلامی به پرتگاه بزرگی نزدیک شده است. اما تا پرت شدن و سر به نیست شدنش راه درازی در پیش است. این راه سخت و سهمگین تنها با همبستگی با ملت قهرمان ایران و رهبری شهیر ایرانزمین میتواند به سرانجام نیکو برسد. این واقعیت را دشمن سپیدی و راستی نیز دریافته و از هر راهی می‌کوشد از یکسو مبارزات توده‌های به پا خاسته را سرکوب کند، و از سوی دیگر میان ملت، فرزندان مبارزش و رهبری شاهزاده جدایی انداخته و با اختیار کردن تاکتیک‌هایی در خدمت **ادامه در ص ۵**

آزادیهای فردی و اجتماعی، حق همه ایرانیان است!

ادامه از ص ۴، به آقای ...

در سر ندارند، و ... همه در خدمت سرپا نگاه داشتی این جمهوری کودک گش است. براسی آیا این آقایان نمی دانند که تبعات فاشیست خواندن نیروهای هوادار سامانه پادشاهی چیست؟! کمترین پیامد و مابه ازای عملی چنین برچسبی به هواداران ما، این است که **دستان آلوده شکنجه گران و سرکوبگران را برای سرکوب مبارزان میدانی ما باز می گذارند**. پس بی جهت نیست که آقایان محمدرضا عالی پیام (هالو) و علی جوانمردی هر کدام به زبان خود، اما با یک پیام مشخص، نیروهای ما را در "**وجهه حتا بدتر**" جمهوری خون آشام اسلامی مقایسه کرده، و با این عمل خود غیر مستقیم به کمرنگ سازی و توجیه کشتار جوانان مبارز ما بدست نیروهای سرکوب اهریمنی می پردازند. زیرا! در هیچ کجای دنیا در حالی که مبارزه بر علیه نیروهای سرکوبگر از سوی ملت جریان دارد، چنین برچسب هایی به نیروی های انقلابی همان ملت نمی زنند! این برچسب ها، دستان نیروی های سرکوب را برای درهم شکستن مبارزان و روحیه مبارزاتی آنها باز می گذارد. اگر برخی از هواداران نابخرد ما "توهین کمر به پایین" می کنند، که نباید چنین کنند و از نگر ما بکارگیری زبان و رفتار توهین آمیز شدیداً محکوم است، اما همان توهین های مذموم شده، **هرگز بار سیاسی و سنگین "فاشیست" خواندن نیروهای اپوزیسیون و سرنگونی خواه را ندارد**. اگر فاشیست خواندن نیروهای سامانه پادشاهی، همدستی با جمهوری پلید اسلامی برای سرکوب مبارزین نباشد، پس نشانه چیست؟! به زبان ساده: **آنان که نیروهای مبارز و در صف مقدم مبارزه را "فاشیست" می خوانند، گناهشان هزاران مرتبه از گناه برخی که به مخالفان سیاسی به نادرستی ناسزاهای "کمر به پایین" سر می دهند، بیشتر و سنگین تر است!**

انجمن پادشاهی خواهان پیشرو، بار دیگر با محکوم کردن هر گونه رفتار و گفتار توهین آمیز به نیروهای سرنگونی طلب اپوزیسیون، برای ارتقای سطح مبارزات و تحت فشار قرار دادن این جمهوری خون آشام، خواهان **اتحاد عمل** (و نه اتحاد سازمانی) میان نیروهای سرنگونی خواه می باشد. و همانگونه که بارها اعلام کرده ایم اتحاد عمل میان نیروهای سرنگونی طلب می تواند دست نفوذی های رژیم که هر روز به رختی نو در می آیند را از گریبان جنبش جوان ما کوتاه کند. اما، همچنان سخت بر این باور خود نیز پای می فشاریم: رفتار و گفتار آنهایی که با دستاویز قرار دادن گفتار نابخردانه اندکی هوادارنما، کل جریان سیاسی پادشاهی خواهی را زیر سؤال برده و مورد حمله زبانی قرار می دهند را نیز، درست ندانسته و آنرا **قویا و با شدیدترین لحن ممکن محکوم می کنیم**. انجمن ما به عنوان جزئی از کل جریان سیاسی پادشاهی خواهان، با افشای اتهامات بی اساس و واهی افراد و جریانهای سنتی کینه توز علیه منافع ملی و ایرانگرایان راستین، اجازه نمی دهد تا این به ظاهر "منتقدان"، خود را پشت سپر مثلاً "انتقاد" از رفتار عده ای ناآگاه، پنهان ساخته و با موضع گیریهای خصمانه و غیر مسئولانه، کلی جریان سیاسی و پاک هواداران سامانه پادشاهی را مورد حمله های دشمن شادکن قرار دهند.

ادامه از ص ۶، آیین شهریری ...

و حرمت مردم یاری بگیرد و کارش دزدی باشد. چرا امروز نمی گوید؟ هنگامی که از روشن سخن گفتن سرباز می زند و به جایش با گوشه و کنایه سخن می گوید، دارید یک سپهر دروغ را در جامعه می گسترانید و آرام آرام این دروغ را در مغز مردم فرو کرده و آنها را با دروغ درگیر می کنید. با دروغ درگیر کردن همانا، مردم را سرگرم کردن همانا، و رژیم کار خود کردن نیز همانا. اینگونه کارها یک: هر چه بیشتر دروغ را گسترانند، همان برنامه ای که "آیین شریف اسلام" و مسلمانان بسیار "شریف" بکار می برند: "وَمَكْرُواْ وَمَكْرَآءُ ٱللَّهِ وَٱللَّهُ خَيْرٌ لِّلْمَكْرِیْنَ"، اینک این جوانمردی چیکاره هست من نمی دانم، و نمی خواهم از این گونه ابزار یاری بگیرم چون کاغذی هم ندارم بگویم که ایشان مزدور هم هست، ولی ایشان کارهایی که انجام میدهد در راستای شکستن

ادامه از ص ۱، نه به اعدام، ...

و عدالت برای همه شهروندان ایرانزمین از هر قوم و عقیده ای هستند؛ جو رعب و وحشت را بر جامعه مستولی سازد. این ایران ستیزان بیگانه پرست، با اعمال جنایات قرون وسطایی می کوشند مبارزات ملت ایران که برای رهایی خود بپا خاسته اند را سرکوب، تا به خیال خود سکوت گورستان را بر ایران بهتر از جانمان، حاکم

کنند. ما در همین جا باری دیگر ضمن ارجگذاری از مبارزات قهرمانانه ملت ایران بویژه دلاوران بلوچ، کرد و عرب زبانان خوزستان، و همگام با آنان، پیمان می بندیم تا سرنگونی جمهوری پلید اسلامی، و برقراری ساختاری دموکراتیک که متضمن عدالت اجتماعی در جامعه ایران باشد، از پای ننشینیم. ساختاری که در آن قانون اعدام برای همیشه لغو و هیچ انسانی به هیچ بهانه ای اعدام نشود. ساختاری که در آن هیچ انسانی برای داشتن عقیده ای و یا فعالیت برای آن عقیده، چه سیاسی و چه دینی و ...، تحت پیگرد قضایی قرار نگیرد و زندانی نشود. حتا زندانیان جرایم عمومی نیز، چه بدنی و چه روانی، مورد شکنجه قرار نگیرند و این رسم وحشیانه برای همیشه منسوخ و به تاریخخانه تاریخ ببینند.

انجمن پادشاهی خواهان پیشرو، همگام و هم نوا با ملت آزادخواه ایران، سازمانهای مترقی و نهادهای حقوق بشری بین المللی، ضمن محکوم کردن این جنایات، بار دیگر تأکید می ورزد؛ امر مبارزه برای رهایی، حق طبیعی مردم ایران است. و در این راستا، هر قطره خونی که از بدن تک تک مردم سرزمینمان و از هر کجای ایرانزمین، در این مبارزه بر زمین جاری شود، هر یک ثانیه ای که مبارزان ما در این پیکار رهایی بخش در زندانهای قرون وسطایی این جمهوری پلید بسر ببرند، تنها پرونده جنایات رژیم و عوامل مزدور آن را سنگین تر کرده و قطعا ملت ستم دیده و بپا خاسته، در روز دادخواهی بزرگ، یعنی در فرآیند انقلاب ملی، مسببین و عاملان این جنایات را پاسخگو و به سزای اعمالشان خواهند رساند. زیرا ما جنایات رژیم در طول 44 سال گذشته و بویژه این روزها را نه فراموش می کنیم و نه می بخشیم!

مردم و جنبش هست. نادانیش هست، خودخواهیش است، خریدگیش هست!!؟ من نمی دانم! با بررسی رفتار و گفتارهای او می توانم بگویم که رفتارش درست در راستای رفتار نیست که رژیم میخواهد. و یا آن دیگری آقای ضرابی؛ آیا او نادان هست، پلید هست، چیزی به وی گفتند، چیکار کردند؟ اینها درست در همان راستایی می کوشند که رژیم، علیه اپوزیسیون ملی و ایرانگرا می خواهد، اینک نام آنرا هرچه می خواهید بگذارید.

پایان سخن اینکه گرامییمان ما نمی خواهیم که راه نیروهای اهریمنی را دنبال کنیم. اگر ما نیز در دام دروغ بیافتم و خود دروغگو شویم و بخواهیم با دروغ بر سر کار بنشینیم؛ کشور را بار دیگر در سپهر دروغ فرو خواهیم برد. آنگاه که دروغ زاده شد، دزدی زاده می شود و این دو دست در دست هم، این آنرا می باید و یاری می رساند و آن دیگری این یکی را و این دو، دست در دست هم برای کشور ما جز ویرانی و تباهی چیز دیگری به ارمغان نمی آورند. میدانم که راستگویی بر هزینه است، ولی هزینه ای که ما می پردازیم؛ آینده ای خوشبخت می سازیم. هرچیزی بی گمان هزینه دارد، این هزینه باید پرداخت شود، تا بتوانیم بسازیم. ما چاره ای جز راستگویی نداریم، دلاورانه هم راست بگویم. چون دلاوران از راستگویند، پلیدی و دروغ از آن زیون ها و ترسوها است. بیاییم در راستای پاکان، بزرگان، دلاوران و رادان باشیم، راد کسی است که دروغ نمی گوید. یعقوب لیث صفاری را رادمان می نامیدند چون راستگو بود و پاکیزه می اندیشید. آینده ایران باید بر آیین شهریری ای که بر پایه درستی و راستی بنا شده، استوار گردد. ملت ما چنین می خواهد، آنچنان که در جهان امروز نیز بسیاری از کشورها می کوشند تا با بهره گیری از آیین شهریری، راستی را بر کشورهایشان چیره کنند. راستی که چیره شود، خوشبختی بیشتر فراهم می شود. در این راستا بگویم تا در دروغ و تباهی آلوده نشویم، آنگاه که آلوده شدیم، اهریمن می شویم. پرهیزانیم خود و دیگران را از دروغگویی، با درستی زیستن پرهزینه است ولی شکوهمند، و پیامدی خوب برای ملت ایران خواهد داشت.



زندان سیاسی آزاد باید گردد؛ دار، شکنجه زندان نابود باید گردد

ادامه از ص ۱، آیین شهریاری ...

در همین راستا، هرچه که ما به جامعه خودی نزدیکتر می شویم، بیشتر با این پدیده شوم که آگاهانه برای دستیابی به هدفی روشن و شناخته شده به دروغ گویی و دروغ پراکنی روی می آورند، درگیر می شویم. برای اینکه این سخن را بهتر دریابیم؛ دوباره می پرسم آیا می شود برای رسیدن به هدف، هرگونه ابزاری را به یاری گرفت؟ برخی بر این باورند که آری؛ برای درست انگاری (توجیه) این کار ناپسند، خمینی را نمونه می آورند. زمانی که او در پاریس بود، سخنانی کمابیش مردم پسند بر زبان جاری می ساخت. هنگامی که به ایران آمد و بر جایگاه قدرت نشست، رفتارارش دگر شد!! از او می پرسند که آن گفتار در پاریس و این کردار اکنون چیست؟ می گوید که: "من خدعه کردم". بدین چم که او برای رسیدن به هدف خدعه می کند، دروغ می گوید و می فریبد!! پس در آیین او در راه رسیدن به هدف و دستیابی به قدرت باید فرمانی برای بکارگیری دروغ و فریباندن ملت، باشد. باید فرمانی باشد تا این کار زشت و ناپسند را در نگر مردم "درست" بنمایاند! این فرمان کجاست؟ در قرآن، کتابی که از قرار راهنمای رفتار و کردار اوست، ما در دو جا به آیه هایی بر می خوریم که یکی به زمان گذشته و دیگری به زمان اکنون می پردازد: "وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَكِرِينَ" (سوره آل عمران، آیه 54)، و "و (مخالفان عیسی) نیرنگ زدند و خدا نیز نیرنگ زد و خدا بهترین نیرنگ کنندگان است !!!" این در زمان گذشته است. یا در زمان حال: "وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَكِرِينَ" (سوره انفال، آیه 30)، یم کرون در اینجا به چم جمع هست. آنها می فریبند، مکر می ورزند، و الله نیز بهتر از هرکس مکر می ورزد. و بدانید که این والله که می گویند سوگند هست. این "و" که می آید به چم سوگند است و سخت باورمندانه هست. "والله که خدا برترین فریبکاران هست". پس اینکه اگر خمینی دروغ می گوید و می فریباند، او کار دینی کرده و کاری بیرون از دین نکرده است. امروزه آنانی که هم اینک بر کشور ما چیره هستند، همین می کنند و جز این نمی کنند. زیرا که فرمان گرفته اند از خدای آسمان، خدای آسمان در نگاه این دین، کسی هست که بسیار بیشتر از دیگران میداند، و در همه چیز "اکبر" هم هست. پس اگر او می گوید دروغ بگویند، پس او میداند. این آیین را با آنچه که آدمیان امروز بدان رسیده اند کنار هم بنهید و بسنجید. این آیین را باید در کجای تاریخ گذاشت و در کجا و در کدام گورستان باید به خاک سپرده شود تا بدین پایه دستانش گشوده اند، برای دروغ گفتن؟! و دروغ را هم به آسمان گره می زند! پیامبر این دین نیز همواره از این ابزار برای دزدی و راهزنی یاری گرفته است. دزدی، خُب پس دستان آمد که در این آیین می شود برای رسیدن به هدف دست به هر کار پلیدی زد. و بسیار تلخ است آنگاه که دریابیم این شیوه رفتار و گفتار در بخشی از اپوزیسیون ما هم نشسته و دچار همین بلا و آفت دروغگویی و دروغ پراکنی شده است. از خود می پرسم آیا آن جامعه ای که پالوده اش بر دروغ بنا شده باشد جز آن می شود که اینک در ایران امروز می بینیم؟ آنچه که در ایران، در این ۴۴ سال رخ داده است باید پیش می آمد هنگامی که ما کشورداری را به دست این دروغگویان سپردیم. اینهایی که کشور را در دست گرفتند، شهریار نیستند؛ تبهکاران و شبیخون گرانی هستند که برای سود خود و ویرانی ایران آمده اند. آیا جز این می شد؟ نه! اگر جز این بینداریم سادگیمان هست. اگر زودتر بُن مایه "فرمان" آیینی آنها را دریافته بودیم و دچار ساده اندیشی نمی شدیم، نمی بایست کار این رژیم از یکروز به دو روز به درازا می کشید. زمانی که خمینی گفت "من خدعه کردم"، خُب، روشن است که او تا پایان خدعه خواهد کرد. هیچ دیواربلندی برای رد کردن آن وجود ندارد و "فرمانش" هم که بر سرِ در آن کوفته شده است: "وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ

الْمَكِرِينَ"، "وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَكِرِينَ"، زین روی؛ این رژیم نمی بایست از دیروز به امروز می رسید و از امروز هم به فردا برسد. تلخا تلخا که ما تا چه اندازه ساده بوده ایم، تا چه اندازه به مانند اهریمن شده بودیم. دزدی و دروغ، دوتایی که یک جفت هستند. زمانی که دروغ بیاد دزدی هم می آید. زمانی که دزدی بیاید دروغ هم می آید. این دو اکنون چون خوره به جان جامعه افتادند. پس، از امروز به فردا مانند آنها، برای ما گناه؛ ناروا، زشت و پلشتی است. در نگاه من؛ اگر دیروز در برابرشان نیاستاده ایم، اینک هنگام آنست تا همه ما ایرانیان امروز، بنا بر گفته عربی، "تکلیفمان" را با این دین روشن کنیم. بسیار ساده و روشن بگویم، آیا این دین می تواند در آینده ایران جایی داشته باشد یا نه؟ اگر میتواند در ایران باشد، با آن چه باید کرد؟ آنچه که به من هست، بزرگترین آرزوی من این هست که نباشند، برای اینکه دین همواره دکان هست. بهشتی و یا دوزخی را ساخته تا همواره دستانش را در کیسه مردم بکند و بهشت را به اینها بفروشد. دستمزد بگیرد و حواله هم بدهد به آن جهان!! این دکان به این بزرگی، همواره برای جامعه یک سم و یا زهر است. می خواهد پایین تخت بنشینند یا بالای آن، بودن آنها برای کشور گناه است، بد است، پلشتیست، باید تکلیفمان را روشن کنیم. اگر هم نمی توانیم اینها را از بن و ریشه برکنیم، باید که زنجیرهای قانونی بسازیم و با آن، دست و پای اینها را ببندیم که اگر باز باشند، باز هم اینها فیلسان یا هندوستان می کند و جامعه را بهم می ریزند. پس با زنجیرهای قانون و خِرد باید دست و بالشان را بست. مگر نه اینکه پیامبر این آیین بسیار "شریف"، همواره از دروغ و دزدی یاری گرفته است؟! مردی پنجاه و چند ساله دختر بچه ای هشت یا نه ساله را به همسری می گیرد، و او می شود "پیامبر رحمت و کرامت" برای ما؟! آیا جز ننگ و شرم برای ما ایرانیان است؟! وای بر ما که چنین الگوهایی را بر دلمان نشانیدم! جلوی چشم ما، تاریخی می گوید، خودشان می گویند، من که از خود نمی گویم و این کودک همسری را "رحمت و کرامت" می نامند!! می خواهم بسیار گشوده و آشکار سخن بگویم؛ ما باید تکلیفمان را با این دو روی ها روشن کنیم.

نکته دیگر که بسیار تلخ است؛ و آتهم اینکه کسانی زیر نام اپوزیسیون نیز دروغ می گویند و بسیار و چه بسا بی شرمانه هم دروغ می گویند. در نگاه من دروغگویی مانند پدیده ای واگیردار، نه تنها دامن رژیم، چه بسا امروزه گریبان برخی از نیروهای اپوزیسیون آنرا نیز گرفته است! من برای اینکه سخن روشنتر بشود، به دو نمونه می پردازم؛ تازگیها دو تن بیشرمانه در رسانه ها به دروغگویی پرداختند. اینها را از روی هواداری و یا همراهی با سامانه و یا روش کشورداری ویژه ای نمی گویم، در اینجا من به مانند یک انسان آزاداندیش و یک دادگر سخن می گویم. چندی پیش آقای رضا ضرابی نامی آمد یک داستانی راه انداخت، از آنجاییکه رژیم جنسش از دروغ است؛ تو گویی که این خود رژیم هست که دارد اینکار را می کند: "آری، هنگامی که شاهزاده به اسرائیل رفته بود "با" سازمان مجاهدین" دیدار داشته" و یا اینکه "یک یا دو میلیارد دلار" هم به او دادند". و از اینگونه سخنان واهی و توخالی. خُب این داستان گذشت، و تازگی بار دیگر دیدیم که کسی دیگر به نام آقای علی جوانمردی بسیار سر و صدا بپا کرد و خود را به بازار انداخت. و در نقد شاهزاده (نقد شاهزاده بجای خودش، من هم ایشان را نقد می کنم)، او نیز به این می پردازد که: "پول گرفته، فراوان هم گرفته و من میدانم اینها را!" و بدون دادن هرگونه نشانه ای به مردم، می گوید که در آینده نشانه ها را رو خواهد کرد! شگفتا! اگر این آقا دستش توی پول هست، چرا می خواهی فردا بگویی، چرا اکنون نمی گویی؟! خطرناک است کسی که از آبرو

ادامه در ص ۵



پیروزی



مبارزه



اتحاد

مرگ بر جمهوری گنبد اسلام!

با ظرد "هوادر نما" ها، آزادی را گرمی و آنرا پاس بداریم!



چکامه ای که اینک در برابر خود دارید از دوست بسیار گرمی و ارجمند، رهاک می باشد. مهر ورزیده و آنرا برای چاپ در اختیار انجمن ما قرار دادند:

من جاوید شاه
تو، مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه
چه رهبر
او، مرگ بر سه فاسد ملا چپی
مجاهد

ما زن زندگی آزادی
ما مرد میهن آبادی
جهانی آه، برای ایران ویران
عمری تاب، برای تاوان ایران
دشنه بر دل مادران ویلان
شکسته استخوان پدران ایران
سرب سرخ جزای چشم بیداران
زنده و پیروز تاریخ عاشقان ایران

ما زن زندگی آزادی
ما مرد میهن آبادی

غرق خون، نوعروسان ایران
سربداران، نوجوانان ایران
بوده پرچم سریناه دوران
نابود باد دشمنان ایران

ما زن زندگی آزادی
ما مرد میهن آبادی

بجنگ، برقص ای شیرزن، ای سرزندگی
میهن زتو آباد ای شیرمرد، ای سازندگی
آزادی چشم به راه ایران ماست
آگاهی، چراغ راه دشوار ماست

ما زن زندگی آزادی
ما مرد میهن آبادی

همگی به ایران بیندیشیم
همگی به ایران بیندیشیم

سراینده: رهاک
۲۵ فوریه ۲۰۲۳

تعدادی انگشت
شمار زیر پوشش
هوادران سامانه
پادشاهی در میدان
ترافالگار لندن، به
پهانه مخالفت با
"فردی مُغرض"، با
بکارگیری رفتار و
زبان آلوده، جامعه
روشن اندیش،
آزادیخواه و بویژه
هوادران پاکدل و
میهن پرست

پادشاهی خواه را غرق اندوه، بُهت و حیرت کردند.

ماجرای این قرار است که به فراخوان تعدادی از نیروهای هوادران سامانه پادشاهی در لندن، جهت اعتراض به اجرای اعدامهای جوانان مبارزی که اخیراً در زندانهای قرون وسطائی حکومت چرک آلود اسلامی به وقوع پیوست، هوادران این سامانه، روز شنبه بیستم ماه می ۲۰۲۳، پس از نیمروز، طبق معمول همیشگی در میدان فوق گرد آمده و مشغول اعتراض میشوند. در این هنگام، آقای محمدرضا عالی پیام (هالو)، خود را به این جمع نزدیک و بدون همراهی با معترضین، آغاز به فیلم برداری از تظاهرات پادشاهی خواهان می کند. ناگفته نماند که عدم همراهی با معترضین حاضر در میدان و یا فیلم برداری از آنان، از سوی هرکسی که باشد، حرکتی خلاف قانون محسوب نمیشود. در ادامه، آنچه را که ما از طریق ویدئوهای منتشر شده در فضای مجازی دیده و یا از سوی شاهدان عینی شنیده ایم، دلالت بر بگو مگوی تعدادی از هوادران این سامانه با شخص مزبور دارد. از آنجاییکه رابطه تنش آلود آقای عالی پیام با هوادران این سامانه برکسی، و از آن میان، خود آقای عالی پیام نیز پوشیده نیست، و صرف نظر از ماهیت این تنش و یا دیدگاههای غرض آلود وی نسبت به پادشاهی خواهان (در وقتی دیگر، حتماً به نقد مواضع نادرست ایشان در قبال سامانه پادشاهی خواهیم پرداخت)، بگو مگوهای فوق خیلی زود به درگیری های زبانی و فیزیکی از سوی جمعی اندک علیه عالی پیام کشیده میشود. در ادامه، بنا به اعتراف خود آقای عالی پیام و پخش عکسی در این رابطه در فضای مجازی، فردی نابخرد، با تعرض جنسی به آقای عالی پیام، ماهیت واقعی و کم مقدار خود را در معرض دید همگان قرار داده و بدینسان کوشید تا موجبات بی اعتبارسازی فعالیتهای سیاسی و مبارزاتی هوادران راستین سامانه پادشاهی را فراهم آورد. حرکت زشتی که اگر نشان از اندیشه بیماری جنسیتی در او نباشد

دست کم، موجبات خشنودی جمهوری اعدای و جریانهای که سابقه ای دیرینه در کینه توزی نسبت به جنبش ملی ایرانیان دارند، مهیا ساخت. ما انجمن پادشاهی خواهان پیشرو، از همان نخستین شماره ارگان سیاسی خود، یعنی گاهنامه "برای ایران"، که در ژانویه سال ۲۰۲۳، پخش شد، تاکنون در نوشتارهای متعدد، مرز خود را با دشنام گویان و دشمنان آزادی، روشن ساخته و از روی آوردن به زبان آلوده، روشهای ناپسند و غیر سیاسی در برخورد با اپوزیسیون رژیم، توسط افراد معلوم الحال و از دید ما نفوذی، همیشه محکوم و هرگز در این خصوص خنثی نبوده و خاموشی نیز پیشه نداشتیم. اینبار نیز با **یانگی رستار از همیشه و با شدیدترین لحن ممکن**، تعرض جنسی و دشنامهای رکیک به آقای

عالی پیام را

محکوم، و هشدار می دهیم؛ **زین پس با مشاهده چنین اعمال زشت و غیرانسانی ای، آنرا تحمل نکرده و برای محکومیت آن با قانون همکاری خواهیم کرد.** در مکتب آزادی؛

انتقاد کردن، مخالفت کردن، به رسمیت شناختن اختلاف نظر، و ... حق طبیعی و دموکراتیک همه شهروندان است. هیچ انسانی حق ندارد با رفتار ناشایست و فرهنگی مبتذل، فضای گفتن برای مخالفان ما را تنگ کند. در همین راستا، ما از تشکل های هوادران سامانه پادشاهی مستقر در لندن خواهشمندیم سکوت خود را برای یکبار هم که شده بشکنند، و با اتخاذ موضع ای رادیکال در برابر اینگونه رفتارهای ناپسند و غیر دموکراتیک، به ایمن سازی فضای مبارزاتی یاری رسانند. این هوادران نماها، با شیوع فرهنگ مبتذل و مغایر با فرهنگ سیاسی و مبارزاتی، آب به آسیاب جمهوری ننگین اسلامی ریخته و با این عمل، انرژی انقلابی مبارزان راستین را به هرز برده و موجب زیانهای برگشت ناپذیر خواهند شد. ایمن سازی فضای مبارزاتی و دفاع از آزادی، وظیفه انکارناپذیر همه روشن اندیشان آزادیخواه است.

برقرار باد سامانه شاهنشاهی ایران!

هم میهنان گرامی و دوستان مبارز و آگاه:

از آنجایی که انجمن پادشاهی خواهان پیشرو باورمند به پروراندن روحیه همبستگی و ایجاد زمینه های مناسب برای همکاریهای هرچه بیشتر در میان همه کانونهای هوادار سامانه پادشاهی برون مرزی می باشد، اقدام به بازپخش بیانیه خانه مشروطه می نماید. ما ضمن ستودن این دوستان برای آغاز مبارزات ادامه دار در چهارچوب کوشندگی های سیاسی-تشکیلاتی، آرزوی پیروزی آنها در راستای آماجهای مبارزاتی اشان را داریم.



خانه مشروطه

بنام ایران و ملت ایران

بیانیه خانه مشروطه دفتر مرکزی شماره دو (۱۳ آوریل ۲۰۲۳)

به ایران بیندیشیم

این بیانیه بر پایه اندیشه سیاسی بنیان گذاران خانه مشروطه دفتر مرکزی خدمت همه مبارزان راه آزادی ایران و عموم ایرانیان بیان می شود .

بر اساس مبارزات ملت شریف بویژه جوانان و مبارزان درون ایران اهورایی که با گذشت از جان و همه هستی شان در پیش برد این انقلاب چون چهل و چهار سال گذشته از هیچ کار و کوششی باز نایستاده اند خانه مشروطه دفتر مرکزی لازم و بایسته می داند در راستای اهداف خود از جمله :

- ۱- ایران یک کشور و یک ملت است.
- ۲- حفظ و استقلال تمامیت ارضی ایران .
- ۳- پرچم ملی سه رنگ شیر و خورشید نشان.
- ۴- دموکراسی و آزادی اندیشه.
- ۵- جدائی دین از سیاست .

همانگونه که در بیانیه اولیه خود منظور داشتیم اعلام می داریم که درب خانه مشروطه به روی همه مبارزان راه آزادی و مشروطه پادشاهی خواه باز است.

همواره باور و اندیشه ما این بوده که در کار اجرایی هیچ یک از گروه ها، انجمنها ، احزاب ، سازمانها ، و برگزار کنندگان تظاهرات حاضر در بریتانیا و دیگر کشورها دخالت نداشته باشیم و نداریم.

اما این خانه جایگاه همه ایرانیان و مبارزانی که چون جوانان و مبارزان ایران اهورایی با رژیم منحوس ملایان و اتحاد نا مقدس سرخ و سیاه در یک نبرد نا برابر هستند باز خواهد بود.

ما در تلاش برای یک صدا شدن همه مبارزان باور و اراده استوار داریم.

در اینجا بایسته می دانیم که گشایش انجمن مشروطه پادشاهی خواهان لندن را از طرف خانه مشروطه دفتر مرکزی شاد باش گفته و در راستای اهداف خود با این انجمن اعلام همکاری و همیاری می کنیم.

همه با هم به ایران بیندیشیم

پاینده ایران تا ابد جاوید شاه

Email: mashroteh@outlook.com

Mob: (07869728277)

دبیر کل: همایون هنربخش

هم میهن؛ خواهشمندیم با فرستادن رهنمود و انتقادهای سازنده به ما یاری رسانید! نشانی تماس با انجمن:

padeshahi1339@hotmail.com

www.9aban.com

انجمن پادشاهی خواهان پیشرو

هم میهنان مبارز و آگاه خارج از کشور:

پیروزی انقلاب ملی-دمکراتیک ملت ایران در گرو همبستگی، پشتیبانی و همراهی هر چه بیشتر شماست. با شرکت جستن در راهپیماییهای اعتراضی، تظاهرات ایستاده ، ... و با هر روش مبارزاتی که خود می شناسید و به آن

باور دارید، به انقلاب توده های تحت ستم ایران یاری رسانید!

لُر، گرد، بختیاری، ترک، بلوچ، گیلک، مازنی، عرب، فارس، تالشی:

ایرانیان همبستگی!

اینست شعار ملی؛ شاه، خرد، آگاهی!